

کارکردشناسی نخل در آیین نخل‌گردانی از منظر حفاظت از گنجینه‌های فرهنگی ایران^۱

عادله محتشم^۲

دانشجوی دکتری حفاظت و مرمت اشیاء فرهنگی - تاریخی

صمد سامانیان

دانشیار دانشگاه هنر تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۸/۱۷؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۱۱/۲۰

چکیده

آیین‌ها از مهم‌ترین کنش‌ها و ارجمندترین میراث‌های انسانی برجامانده و جاری در جوامع هستند. نخل‌گردانی، آیین کهن ایرانی که با ورود اسلام به ایران در ادامه حیات خویش، رنگ و بوی شیعی به خود گرفته، آیینی همچنان زنده و پویا و گنجینه‌ای غنی برای شناخت بخشی از فرهنگ ایرانیان است. اشیاء از ملزومات و اجزاء اساسی برگزاری بعضی از این آیین‌ها هستند. نخل‌ها، اشیاء محوری در برگزاری آیین نخل‌گردانی، به عنوان آثار فرهنگی و تاریخی و بخشی از میراث ملموس و منقول، اشیائی ارجمند و شایسته حفاظت و احترامند. پیش‌درآمد این حفاظت، شناخت ویژگی‌ها، ارزش‌ها و کارکردهای این آثار است. هدف از این پژوهش شناخت کارکردهای نخل به عنوان یک شیء آیینی در آیین نخل‌گردانی است. مواد پژوهش با استناد به منابع مکتوب، مشاهدات میدانی و مصاحبه فراهم شده است و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نخل در جایگاه یک شیء آیینی و به عنوان یک اثر فرهنگی، دارای کارکردهای اعتقادی، نمادین و یادمانی بوده و انتقال‌دهنده دانش بومی و حامل سنت‌ها و آداب سنتی است.

واژه‌های کلیدی: آیین‌های ایرانی، نمادپردازی شیء آیینی، نخل، نخل‌گردانی.

۱. این مقاله برآمده از رساله دکتری عادله محتشم، «با عنوان تبیین رویکردهای نظری در حفاظت از اشیاء آیینی در آیین‌های زنده مبتنی بر ارزش‌شناسی، مطالعه موردی: نخل در آیین نخل‌گردانی در حوزه جغرافیایی - فرهنگی کویر یزد» به راهنمایی دکتر صمد سامانیان در دانشگاه هنر تهران است.

adele.mohtasham@gmail.com

۲. رایانامه نویسنده مسئول:

مقدمه

آیین‌ها بازتاب‌دهنده و دربردارنده‌ی بسیاری از مؤلفه‌های فرهنگی و بخشی از میراث ناملموس یک جامعه هستند. آیین در جایگاه کنشی انسانی، نمادین، جمعی و تکرار شونده، در زندگی انسان امروز، که به سوی دور شدن از معنای امور و درآمدن بیش از پیش به جسم و کمیت امور سیر می‌کند، نقش روشنی دارد. کاربرد اشیاء در بیشتر آیین‌ها امری نهاده بوده و گاه برخی آیین‌ها پیرامون محور یک شیء برگزار می‌گردند: مانند آیین نخل‌گردانی در گستره جغرافیایی و فرهنگی کویر مرکزی ایران، آیین قالی-شویان در مشهد ارده‌ال کاشان و آیین اسب چوبی در سبزوار. آیین نخل‌گردانی در جایگاه آیینی زنده و همچنان پویا، یکی از آیین‌های بزرگ نزد شیعیان ایران است. این آیین، که در آن نخل در جایگاه شیء آیینی حضور دارد، آیینی کهن و یادواره‌ای برای امام حسین است. اما نخل که در آغاز تنها سازه‌ای چوبی برای برگزاری آیین به نظر می‌رسد، در جایگاه یک شیء آیینی، حامل ارزش‌ها و مفاهیمی است که کارکردهای گوناگون به آن می‌بخشند و آن را تبدیل به گنجینه‌ای می‌سازند. این پژوهش از منظر پاسداشت گنجینه‌های فرهنگی و مذهبی به مطالعه و شناخت کارکردهای نخل در جایگاه یک شیء آیینی پرداخته است. از آنجا که جامعه امروز کمتر پذیرای حضور و تداوم آیین‌ها بوده و به تبع آن اشیاء آیینی نیز در معرض آسیب‌های مادی و معنوی هستند، مطالعه در معانی، ارزش‌ها و کارکردهای اشیاء آیینی در آیین‌های گوناگون ضرورت می‌یابد. شناخت کارکردهای نخل، افزون بر اینکه راهی به سوی شناخت و حفظ اندیشه‌های شیعی می‌گشاید و به شناخت پیش از پیش و حفظ بخشی از آداب و رسوم جامعه آیین‌ورز منتج می‌گردد، اولین قدم برای شناخت و حفاظت از کالبد نخل، به عنوان یک شیء فرهنگی با هویتی تاریخی، نیز هست. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است: نخل به عنوان یک شیء آیینی در آیین نخل‌گردانی حامل چه کارکردهایی است.

بخش بزرگی از اطلاعات درباره آیین نخل‌گردانی و کمابیش تمامی اطلاعات مربوط به نخل، دانش بومی ساخت آن، آداب و کنش‌های سنتی آیین‌ورزان و استادکاران نخل‌ساز و دیگر اطلاعات پیرامون کالبد آن بخشی از سنت شفاهی جامعه آیین‌ورز بوده و کمتر به صورت مکتوب در دست است. این اطلاعات از استاد به شاگرد منتقل و حفظ شده‌اند. آنچه به صورت مکتوب در دست است، بیشتر به شکل برداشت‌های جنبی در کنار مطالعات وابسته به آیین نخل‌گردانی است که می‌توان نکته‌هایی درباره‌ی نخل‌ها از آن‌ها درک و دریافت نمود. سنت شفاهی یکی از مهندترین راه‌های حفظ و انتقال آموزه‌های سنتی است (مزرعی، ۱۳۶۳: ۱۲). به همین سبب مطالعات میدانی و گفتگو با آگاهان بایسته بود. برای گفتگو، نگارندگان از محضر پنج تن از سازندگان نخل، استاد عباس مجاور^(۱)، استاد علی اکبر ابویی مهریزی^(۲)، حسن خیراندیش^(۳)، مسعود شاهدهی^(۴)، و محمد مهدی طهرانی^(۵) بهره برده‌اند. مطالعات

میدانی نیز در یزد، به‌ویژه در محلات لب خندق، فهادان، مریم‌آباد، شاه ابوالقاسم، چهار منار، کوچه بیوک، وقت و ساعت، و بازار نو، انجام گرفته است. لازم به بیان است که نخل‌گردانی آیینی است که پژوهشگران آن را از آن گستره جغرافیایی و فرهنگی کویر ایران می‌دانند و بر این باورند که در هیچ شهری مانند شهر یزد این آیین با جدیت و اشتیاق پیگیری و برگزار نمی‌گردد (بلوکباشی، ۱۳۸۰؛ آیتی، ۱۳۱۷: ۲۴۴-۲۴۸). از این روی این پژوهش بر روی نمونه‌های موجود در شهر یزد متمرکز شده است.

مطالعات و پژوهش‌های علمی درباره‌ی ماهیت آیین‌ها و گونه‌های آن امری کمابیش تازه است. درباره‌ی آیین نخل‌گردانی نیز چنین است. پیتر چلکوفسکی، که چندین سال در ایران به مطالعه در باب آیین‌های سوگواری در محرم و به‌ویژه تعزیه پرداخته، از نخستین کسانی است که افزون بر پژوهش در آیین نخل‌گردانی نگاهی به شیء آیینی نخل داشته و نخستین نوشته‌های وی در این زمینه در سال ۱۹۷۹ م به چاپ رسیده است. او همچنین در کتاب تعزیه و دیگر آیین‌های شیعی (Chelkowski, 2010) گفتارهایی را پیرامون چرایی و چگونگی آیین نخل‌گردانی مطرح کرده و اشاره‌هایی نیز به ساختار نخل داشته است. علی بلوکباشی مطالعات ارزنده‌ای درباره‌ی آیین با توجه به رواج آیین‌هایی چون تابوت-گردانی در ایران باستان انجام داده، و افزون بر بررسی‌های تاریخی، نخل‌گردانی را در گستره‌های جغرافیایی و فرهنگی گوناگون، مطالعه نموده و اشاره‌هایی به ساختار نخل داشته است (بلوکباشی، ۱۳۸۹؛ ۱۳۸۰). این مطالعات از نخستین پژوهش‌های علمی درباره‌ی آیین نخل‌گردانی در ایران هستند. در سال‌های اخیر پژوهش‌های دیگری در قالب مقاله، پایان‌نامه و کتاب به چرایی و چگونگی این آیین، بیشتر از چشم‌انداز انسان‌شناسانه و نمادشناسانه، پرداخته‌اند (ک. ملیع). تمامی این پژوهش‌ها پیرامون ماهیت آیین نخل‌گردانی شکل گرفته‌اند. پژوهشی که به شکل ویژه به نخل در جایگاه شیء آیینی، مطالعه در ساختار و کالبد آن، روش‌های ساخت، شناخت ارزش‌ها یا کارکردشناسی آن پرداخته باشد به نظر نویسندگان نرسیده است.

۱. نخل و نخل‌گردانی

نخل‌گردانی از آیین‌های مهم شیعیان ایران در سوگواری امام حسین است که ریشه‌هایش را در ایران پیش از اسلام و در سوگ سیاوش جستجو نموده‌اند (فرلمکین، ۱۳۷۲: ۱۲۲-۱۲۴؛ حصوری، ۱۳۷۸: ۱۰۶). حصوری می‌گوید که حمل تابوت تمثیلی در آیین سوگ سیاوش در مراسم سال‌مرگش نشان می‌دهد که این آیین در سراسر آسیای میانه اهمیت داشته است. با درآمدن اسلام به ایران، برخی رفتارها، رسوم و آیین‌های ایرانی که با انگاره‌های اجتماعی و فرهنگی تازه معارض نبودند، با دگرگونی‌هایی در صورت و معنا و درآمیختن با مایه‌های اسلامی به حیات اجتماعی خود ادامه دادند (بلوکباشی، ۱۳۸۹: ۴۳۲-۴۴۲). با شهادت امام

حسین (ع)، او پیام‌آور رستگاری و آزادگی برای شیعیان شد و نخل‌گردانی رنگ و بوی شیعی به خود گرفت و در درازنای تاریخ تا امروز تداوم یافت.

برخی ریشه‌های این آیین را مربوط به دوره صفوی می‌دانند. از آن میان می‌توان به دیدگاه عبدالحسین آیتی (آیتی، ۱۳۱۷: ۲۴۴) و دیدگاه شریعتی (شریعتی، ۳۳۳) اشاره نمود. با این همه، برخی پژوهشگران در پژوهش‌های تخصصی خود در این زمینه، افزون بر اشاره به کهن بودن این آیین، صفوی بودن آغاز این آیین را درست ندانسته، شکل امروزی این آیین را از دوره صفوی می‌دانند (بلوکباشی، ۱۳۸۸: ۴۳۳) و معتقدند ریشه صورت‌های نخستین این آیین در ایران پیش از اسلام بوده و نشانه‌هایی از برگزاری این آیین از دوره آل بویه نیز در دست است (همو، ۱۳۸۰: ۱۰۶).

درباره گستره جغرافیایی و فرهنگی نخل‌گردانی باید گفت این آیین در ایران متعلق به مناطق مشخصی است. بلوکباشی این آیین را از آن گستره فرهنگ کویری و شهرها و آبادی‌های کویرنشین و حاشیه‌ی کویر ایران می‌داند و بر این باور است که در این گستره نیز نخل‌گردانی بیشتر در یزد، تفت، نائین، ایبانه، کاشان، میبد، سمنان، زواره و آبادی‌های پیرامون آن‌ها اهمیت بسیار یافته است (بلوکباشی، ۱۳۸۰: ۵۷). وی به تهران نیز در جایگاه دوم اهمیت اشاره می‌کند (همو، ۸۳). چلکوفسکی نیز این آیین را مربوط به شهرها و روستاهای حاشیه‌ی کویر مرکزی بزرگ ایران از سمنان و دامغان به سمت قم، کاشان، خور، بیابانک، زواره، اردستان و نائین می‌داند (Chelkowski, 2008).

در بسیاری از آیین‌ها، اشیاء جایگاه و نقش ویژه‌ای می‌یابند. آنچه در کنوانسیون صیانت از میراث فرهنگی ناملوس (پاریس، ۲۰۰۳ م) آمده است می‌تواند تعریفی پایه‌ای و کلی‌نگر از شیء آیینی باشد. از دیدگاه این کنوانسیون، اشیاء آیینی ابزارها، اشیاء و مصنوعات هستند مرتبط یا وابسته به آیین‌ها که در آیین‌ها به کار می‌روند و به دست یک جامعه انسانی مشخص به‌عنوان میراث فرهنگی به رسمیت شناخته می‌شوند. در آیین نخل‌گردانی، شیء آیینی همان نخل است.

مطالعه‌ای گزیده در آیین‌هایی که اشیاء در آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند نشان می‌دهد که اشیاء در آیین‌ها از چشم‌انداز جایگاه، یا (الف) نقش محوری در برگزاری آیین دارند، بدین معنا که در روند آیین مرکزیت می‌یابند و نقطه‌ای برای گرد آمدن و آیین‌ورزی آیین‌ورزان هستند؛ (ب) در برگزاری آیین‌ها بدون نقش محوری کاربرد می‌یابند. اشیاء محوری در آیین‌ها همواره کارکرد نمادین داشته و گاه کاربردی جز نمادین بودن نیز دارند. در مقابل، اشیائی که نقش محوری در آیین‌ها ندارند، الزاماً نمادین نیستند و ممکن است کارکرد نمادین یا کاربردی جز آن داشته باشند. مثلاً می‌توان به قالی در آیین قالی‌شویان که شیئی محوری و نمادین است، و چق‌چقه‌های چوبی در آیین سنگ‌زنی یا چاق‌چاقه زنی، که اشیائی غیر محوری و کاربردی هستند، اشاره نمود. از این چشم‌انداز، نخل در گروه اول قرار می‌گیرد،

چرا که شیئی محوری و نمادین در برگزاری آیین نخل‌گردانی است، و برگزاری این آیین حول محور این شیء پا گرفته است.

نخل شیء یا دستگاهی (Richards, 1931: 164; رمضان‌خانی، ۱۳۹۶: ۳۵۱) یا هیكلی چوبی (آیتی، ۱۳۱۷: ۲۴۴) یا تابوت‌واره‌ای حجیم (بلوکباشی، ۱۳۸۰: ۴۱) است که حجم اصلی و سازه‌های آن قالبی مکعب مربع و گاه مکعب مستطیل دارد و دو جبههٔ پسین و پیشین آن با دو صفحهٔ سرونما و مشبک پوشانده شده است. نخل دارای استخوان‌بندی ویژه‌ای است که فراخور کوچک یا بزرگ بودنش ساخته شده است از چوب بستنی با یک کف‌بندی از چهار تا گاه بیش از بیست تیر چوبی، و چهار تا بیش از ده ستون چوبی، که این ستون‌ها در دو سوی درازا و پهنا با الوارهای چوبی مهار شده‌اند. بلوکباشی در وصف دو جبههٔ پسین و پیشین نخل‌ها به درستی تعبیر جنافی شکل سرونما و لب‌کنگرهای را به کار می‌برد.

نخل‌ها سراسر از چوب ساخته می‌شوند و برای ساخت پیوندهای آن (جز بخش‌هایی که روش کام و زبانه کارساز است) از میخ‌ها، گل‌میخ‌ها و بست‌های آهنی استفاده می‌شود. در روش اصیل ساخت نخل، از هیچ‌گونه چسبی استفاده نمی‌شود (مجلور، مصاحبه، ۱۳۹۶). چوب به کاررفته در ساخت نخل چوب چنار و گاه توت و گردو (به دلیل استحکام) برای پایه‌ها و دو صفحه‌ی سرونما، و چوب سپیدار (به دلیل انعطاف‌پذیری و بلندی الیاف چوب) برای کف‌بندی است که همچون حامل در دستان برندگان نخل قرار می‌گیرند (مجلور، مصاحبه، ۱۳۹۶؛ شاهدی، مصاحبه، ۱۳۹۶). این چوب‌ها از نواحی پیرامون یزد فراهم می‌شده است. نخل‌ها در اندازه‌های گوناگون ساخته می‌شوند و بزرگی و کوچکی آن‌ها به میزان پشتوانهٔ مالی تعیین شده (بیشتر وقف یا نذرشده) برای ساخت بستگی بسیار دارد. از میان نخل‌های کوچک، نخل خانهٔ امام حسینی‌ها، با بلندی نزدیک به دو متر و هفتاد سانتی‌متر، و نخل تکیه‌ی شاه ابوالقاسم، با بلندی نزدیک به چهار متر و هفتاد سانتی‌متر، و از میان نخل‌های بزرگ، نخل میدان امیر چخماق، با بلندی نزدیک به هشت و نیم متر (افشار، ۱۳۷۴: ۷۰۹) و نخل میدان شاه (بعثت امروزی)، به بلندی نزدیک به یازده متر (پروندهٔ ثبت ملی آیین نخل‌گردانی)، را می‌توان نام برد، همگی در یزد (نگاره‌های ۱ تا ۴).



نگارهٔ ۳: نخل میدان
نگارهٔ ۴: نخل میدان شاه
امیرچخماق، یزد (منبع: بعثت امروزی)، یزد
(منبع: نگارندگان).



نگارهٔ ۲: نخل تکیهٔ شاه
ابوالقاسم، یزد (منبع: نگارندگان).



نگارهٔ ۱: نخل خانهٔ امام حسینی‌ها
یزد (منبع: نگارندگان).

۲. کارکردشناسی نخل در جایگاه شیء آیینی

نخل شیء مورد استفاده در آیین نخل‌گردانی است. برای شناخت کارکرد یک شیء، در آغاز فلسفه شکل‌گیری آن اهمیت می‌یابد. این نخستین کارکرد یک شیء است، هرچند پیرو آن، کارکردهای دیگر شکل می‌گیرند. برهان وجود شیء آیینی حضورش در آیین است. حضور نخل در یک آیین، که قصد از آن سوگواری برای یک انسان آزاده است، نخستین کارکرد نخل است. در نگاه آغازین، نخل یک شیء چوبی بازنمایانندهٔ تابوت یا حامل پیکر امام حسین (ع) در آیین نخل‌گردانی است. این شیء به واسطهٔ آن آزادی و حقیقت، که آیین بازتاب دهندهٔ آن است، ذی‌روح می‌شود و در گذر زمان و در تعامل بیشتر و پیاپی با آیین‌ورز و فضا-مکان پیرامونی خود، این روح پرورش می‌یابد. این روح گردآمده‌ای از معانی و ارزش‌هاست. بدین‌گونه کارکردهای دیگر شکل می‌گیرند. هنگامی که به کنه وجودی آیین نخل‌گردانی می‌اندیشیم، فلسفهٔ وجودی آن سوگواری برای شهادت یک انسان آزاده است، هرچند نباید از نظر دور داشت که فراتر از هر چیز، هدف غایی آیین‌ها رسیدن به آرامش است. این دستیابی به آرامش روحی و معنوی از جملهٔ مهم‌ترین کارکردهای تمام آیین‌هاست (حصوری، ۱۳۸۴: ۶۸). این دستیابی به آرامش، ضمن برگزاری آیین و تعامل با شیء آیینی، به پیاپی حیات شیء انجامیده و با گذر زمان جایگاهی ویژه به شیء آیینی می‌بخشد که در سایهٔ آن، شیء دارای کارکردهای دیگری در بستر جامعه‌ی آیین‌ورز و در تعامل با آیین‌ورزان می‌گردد.

۲-۱. کارکرد اعتقادی

والاثرین ارزش یک شیء آیینی ارزش اعتقادی آن است. شیء آیینی کالبدی است که اعتقاد و باور سازنده روح آن کالبد است. اشیای نمادین در مناسک و مراسم مذهبی پیوندی ژرف با اندیشه‌های دینی دارند. با کنار گذاشتن اندیشهٔ اعتقادی نهفته در پس شکل‌گیری این اشیاء، هویت شیء را نادیده گرفته و آن را هویت‌زدایی کرده‌ایم. نخل‌ها از اساس نمادی از حامل پیکر یا تابوت یک انسان آزاده بوده‌اند. پیش از اسلام این انسان آزاده، بنا بر یک تفسیر سیاق‌وش بوده و پس از درآمدن اسلام به ایران و پس از آن با گسترش تشیع، این آیین رنگ شیعی به خود گرفته و تبدیل به نمادی از حامل پیکر امام سوم شیعیان امام حسین (ع) شده است. اگر این اندیشه در شکل‌گیری نخل و برگزاری آیین نخل‌گردانی را کنار بگذاریم، حتی اگر این شیء همچنان حامل ارزش‌هایی باشد، به گونه‌ای مسخ شده این دیگر ارزش‌ها را حمل می‌کند. بدین‌گونه نخستین کارکرد نخل‌ها، نقش آن‌ها در زنده نگاه داشتن اعتقاد آیین‌ورزان به حقانیت آزادی و ظلم‌ناپذیری است. نخل‌ها حاملان باور و اعتقاد گروهی از مسلمانان شیعه درباره‌ی آزادی امام حسین (ع) هستند. به واسطهٔ این اعتقاد است که شیعیان این شیء را مقدس و محترم می‌دانند، برای بالا رفتن از آن در زمان نخل‌آرایی کفش‌ها را از پا درمی‌آورند و کودکانی را که برای بازیگوشی

از آن بالا می‌روند مؤاخذه می‌کنند. در یزد تقدس نخل تا آنجاست که اگر نخلی کهنه شود، آن را از بین نمی‌برند، بلکه نخل کهنه را روی تپه و یا جایی دور دست می‌گذارند تا خود به خود از بین برود.^(۴) برخی باورمندان هرگاه به نخل برسند، سلام می‌دهند و دست بر آن می‌سایند (مضان‌خنی، ۱۳۹۶: ۳۵۵). به دلیل استمرار و تداوم آیین‌های شهادت امام حسین و حضور نخل در برگزاری آن، این شیء ماهیتی یافته که وجودش، حتی بیرون از سازگان آیینی نخل‌گردانی، به یاد آورنده و نیروی محرکی در زنده نگاه داشتن اعتقاد به حقانیت امام است.

۲-۲. کارکرد نمادین

درباره معنای نماد در دین، فلسفه، زبان‌شناسی، هنر و زیباشناسی همداستانی فراگیری وجود ندارد. ترنر می‌گوید نماد پدیده‌ای است که بر پایه هم‌آوایی و توافق عام در جایگاه یک معرف طبیعی یا نمایانگر پدیده‌ای خاص، با آن پدیده ویژگی‌های مشابه داشته و یا در تصور و واقعیت با آن‌ها اشتراک دارد (Turner, 1973: 1101). از آن رو که نماد جایگزین چیز دیگری است، حامل و ناقل معناست. از دیدگاه پیرس نماد یعنی پدیده‌ای که بر چیزی دیگر رهنمون شده و آن را تداعی کند (Ducrot and Schaeffer, 1995). درباره همبستگی نماد و آیین ترنر می‌گوید نماد یک واحد اندوخته یا واحد بنیادین یا یک مولکول در رفتار آیینی، و کوچک‌ترین واحد ساخت ویژه در مجموعه یا ساختار آیین است (موریس، ۱۳۸۳: ۳۲۲). پیوستگی نماد و آیین‌ها را هم در اشیاء و ابزار مادی آیین و هم در کنش‌ها و رفتارها و ابزار معنوی آیین می‌توان دید. به عبارت دیگر، چنان که راپاپورت (Rappaport, 1999: 30) اشاره می‌کند، شکل و مفهوم در اجرای هر آیینی به هم پیوسته و جدایی‌ناپذیرند. با این رویکرد، نخل در جایگاه یک شیء آیینی یک نماد نیرومند است. در مرتبه نخست، نخل نمادی از تابوت امام حسین (ع) است. فراتر از این، همان‌گونه که بیان شده، ریشه آیین را شاید بتوان در سوگواری سیلوش در ایران پیش از اسلام جستجو نمود. پس نخل را باید نمادی از حامل پیکر یک انسان آزاده کشته‌شده برای حقیقت (شهید) دانست. در کنار این اصلی‌ترین جنبه‌ی نمادین نخل، نگاه به شکل نخل خود راهنمایی گویاست. دو جبهه یا دو نمای اصلی نخل یادآورنده‌ی درخت سرو است و سرو در ایران نماد آزادی بوده است. اسلامی ندوشن، به هنگام بحث از نخل و نخل‌گردانی، بهروشنی می‌گوید که نخل بسیار به درخت سرو مانند است و سرو در فرهنگ عامه یعنی جاودانگی و رشادت و آزادی. اما با گذر سالیان و برگزاری آیین نخل‌گردانی و نهادن شدن این شیء در بخش‌های گوناگون شهرها، به‌ویژه شهر یزد، این شیء کارکرد نمادین دیگری یافته است. جلال آل احمد در سفرنامه کوتاهی که درباره سفرش به یزد نگاشته، به نخل‌های پراکنده در گوشه و کنار شهر اشاره می‌کند و آن‌ها را از دید بزرگ بودن به اسباب‌بازی غول بچه‌ها تشبیه می‌کند (آل احمد، ۱۳۴۳: ۱۵۹). بدین گونه نخل گونه‌ای کارکرد نمادین شهری در پیوند با شهر یزد یافته و به یکی از نمادهای این شهر تبدیل شده است. در یزد نخل‌ها را در فضاهای همگانی و مرکزی یعنی میدان‌ها، در

نزدیکی تکیه‌ها، یا در میدانگاه امام‌زاده‌ها می‌توان یافت. چلکوفسکی می‌گوید: هرچند نخل‌ها را در شهرهای گوناگون ایران می‌توان دید، اما بزرگ‌ترین نخل‌ها از آن منطقه یزد هستند. در این منطقه حتی یک روستا هم نمی‌توان یافت که نخل خود را نداشته باشد (Chelkowski, 2008). شهر یزد تنها دارنده بزرگ‌ترین و شناخته‌شده‌ترین نخل‌ها نیست، بلکه در برگزاری آیین نخل‌گردانی نیز آیین‌ورزان بیش از دیگر شهرها پایبندی و حمیت دارند. برای مردمان یزد، ساختن و داشتن یک نخل در تکیه یا امام‌زاده به منزله گونه‌ای ابراز وجود اجتماعی نیز هست، بدین معنا که هر جامعه‌ای، خواه روستاها و خواه محلات گوناگون شهر، داشتن نخل را نشان وجود و حضور اجتماعی خود می‌دانند. این بیان حضور جمعی، وحدت و همبستگی مردم آن جامعه را در قلب دارد. چلکوفسکی به‌روشنی بیان می‌کند که نخل، به‌ویژه در یزد، نماد وحدت اجتماعی برای شهر، روستا یا منطقه است (Chelkowski, 2006: 410).

۲-۳. نخل‌ها، حاملان دانش بومی

دانش بومی مفهومی گسترده است و از آن به چند گونه تعبیر شده است. چمبرز می‌گوید: دانش بومی دانشی است که از گستره جغرافیایی خاصی سرچشمه گرفته و به گونه‌ای طبیعی فرآورده شده است (چمبرز، ۱۳۷۶: ۱۰۸). وارن و کشمن بر این باورند که دانش بومی دانشی محلی و از آن یک فرهنگ یا جامعه است که پیوسته زیر پرتو کارآزمودگی‌های درونی اجتماع و همچنین در پی ارتباط با سازگان بیرونی، از خلاقیت و نوآوری برخوردار است (Warren and Cashman, 1988). گیرتز ویتزگی‌های کاربردی بودن، جمعی بودن و ریشه گرفتن از یک مکان خاص را برای دانش بومی برمی‌شمرد (Geertz, 1983) و کلکر دانش بومی را زمینه‌ای کل‌نگر و سازگار با محیط می‌داند که به گونه‌ای غیر رسمی گسترش یافته است (Kelkar, 2007: 298). به طور کلی این ویژگی‌ها را می‌توان مهم‌ترین ویژگی‌های دانش بومی برمی‌شمرد:

۱. استوار بودن بر تجربه، ۲. پشت سر گزاردن آزمون زمان، ۳. کاربردی بودن، ۴. سازگاری با محیط و فرهنگ بومی، ۵- پویا بودن و دگرگون‌شونده بودن در درازای زمان (Brabyan, 1998: 1). به گونه‌ای ویژه درباره‌ی ساختن اشیاء، اولیور دانش بومی ساخت را اندوخته کارآزمودگی‌های یک قوم درباره ساخت و ساز اشیاء گوناگون می‌داند و بر این باور است که چنین دانشی گردآمده‌ای از قواعد عمومی است که در آن، نشانه‌هایی از ارتباط یک قوم با محیط طبیعی و زیست خود و باورها و اعتقاداتشان نهفته است (Oliver, 1986: 113-126). اشیاء ساخته‌شده به روش‌های سنتی مضامین بسیاری را درباره آداب، روش‌ها، و مواد به‌کاررفته در ساخت در خود جای داده‌اند و در این میان نخل‌ها حامل بخشی از دانش بومی ساخت اشیاء چوبی در جامعه آیین‌آورز خود هستند. با مطالعه در ساختار و ویژگی‌های نخل درمی‌یابیم که این شیء آیینی حامل بخشی از دانش بومی مردمان سازنده خود است. نخل گردآمده‌ای است از تمهیدات فنی در ساخت و پسندهای هنری در شکل، و هر یک از ویژگی‌های پیوسته با فن ساخت آن،

همچون یک راوی، بازگوکننده روش‌های سنتی ساخت نخل (برآمده از دانش بومی مردم منطقه) هستند. این فنون بومی و دانش ساخت به شکل شفاهی از نسل‌های گذشته به امروز رسیده‌اند. این ویژگی‌ها را می‌توان با مطالعه در چرایی و چگونگی آنها دریافت: ۱. گزینش چوب یا چوب‌های مورد استفاده در ساخت نخل، ۲. روش‌های فراهم آوردن و آماده‌سازی چوب‌ها، ۳. طراحی، محاسبات و تناسبات، ۴. روش‌ها و فنون ساخت و اتصال، ۵. روش‌ها و آداب تعمیر و نگهداری از نخل‌ها به جهت تدوام بقای آن. بررسی هر یک از این موارد اطلاعات خوبی را برای ما فراهم می‌کند.

نکته درخور نگرش در اینجا پروای بوم‌آوردی در ساخت نخل است. بوم‌آوردی، آن‌گونه که پیرنیا و معماریان می‌گویند، وابستگی تولید یک ساختمان یا شیء به مصالح موجود در منطقه‌ای مشخص و بی‌نیازی از دیگر مناطق بوده و یک ارزش بومی شمرده می‌شود (پیرنیا و معماریان، ۱۳۸۰: ۳۵۱). بوم‌آوردی تنها با مواد و مصالح پیوسته نیست، بلکه فنون بومی ساخت را نیز در بر می‌گیرد که کوششی است برای تکیه بر گنجینه کارآزمودگی‌های موجود، که گونه‌ای از نوآوری در عین حفظ خودایستایی معنوی و روحی است (ولیه، ۱۳۷۶: ۲۸۸). در ساخت نخل از چوب چنار و توت برای ستون‌ها و پایه‌ها و دو رویه سرونما و از چوب سپیدار برای ساخت کف‌بندی‌ها استفاده می‌شود. این چوب‌ها از درخت‌های روییده در یزد و شهرهای پیرامون آن، به‌ویژه مهریز، تفت، و اشکذر فراهم می‌شود (مجاور و شاهی و ابوی، مصاحبه، ۱۳۹۶). چنار، گردو و سپیدار هر سه از درختانی هستند که در استان یزد می‌رویند. چنارهای کهنسال نصرآباد، طزرجان، باجگان، تلکین‌آباد، تنگ چنار، و چک‌چک، گواه این مدعا هستند. همچنین است چنارها و سپیدارهای ارزشمند باغ پهلوان‌پور در مهریز، گردوهای کهنسال نیر و کرخنگان، و توت کهنسال نیر، که تنها نمونه‌هایی از درختان کهنسال یزد و شهرها و شهرستان‌های پیرامون آن هستند.

۲-۴. نخل‌ها، حاملان سنت

هابرماس بر این باور است که اشیاء به سنت‌ها خدمت می‌کنند و آن‌ها را انتقال می‌دهند (Habermas, 10797-10801: 2001). اما درباره این که سنت چیست و تعریف روشن آن کدام است، دیدگاه‌ها یگانه نیست. معنای واژه سنت در زبان پارسی، راه و روش، طریقه، رسم، قانون، احکام دین، و احکام خداوندی است (دهخدا، ذیل لغت). اما ریشه معادل آن، یعنی tradition، از واژه لاتین tradito به معنای واگذاری، تحویل دادن و انتقال است (Fichtner, 2003: 131). آنچه در معنای سنت اهمیت بیشتری می‌یابد انتقال است. این انتقال می‌تواند از یک پیامبر، مصلح اجتماعی، عارف، حکیم، دانشمند، پادشاه یا هر فردی که گونه‌ای از مرجعیت را داراست، به یک فرد، یا جامعه، اتفاق بیفتد (Shils, 1971: 128-129). معنای انتقال، انتقال بینش، کنش، دانش، اندیشه‌ها، فنون و قانون‌ها، بیشتر به روش شفاهی و گاه مکتوب، پشت به پشت است. سنت مانند حضور زنده‌ای است که ردپایش را به جای می‌گذارد (نصر، ۱۳۸۰: ۵۷). بعضی متخصصان سنت را باور یا رفتاری می‌دانند که در میان گروه یا جامعه جاری بوده، بیشتر معنای نمادین

یا مفهوم ویژه‌ای داشته، و ریشه در گذشته دارد (Green, 1997; Shils, 2006). اشیائی که از مواد ماندگار و تاب‌آور ساخته می‌شوند، برای چندین نسل باقی می‌مانند. واکر این اشیاء را اشیاء ماندگار می‌نامد (Walker, 2005: 20-31) و هابرماس بر این باور است که اطلاعاتی را با خود به آینده گذر داده و خود را وقف انتقال سنت‌ها به نسل‌های بعد می‌کنند. او می‌گوید سنت‌ها توسط اشیائی مانند یادمان‌ها، مجموعه‌های موزه‌ای، ساختمان‌های کهن، و اشیاء مقدس نیز حفظ می‌شوند (Habermas, 2001: 10797-10801).

نخل در جایگاه یک شیء آیینی حامل و برانگیزاننده برای پایایی بعضی سنت‌ها و آداب و کنش‌های سنتی در جامعه آیین‌ورز است. این بخش از سنت را به دو روش می‌توان دریافت کرد: ۱. با مطالعه در کالبد و فرآیند ساخت نخل، ۲. با مطالعه در شیوه تعامل آیین‌ورزان و مؤمنان با آن. نمود این سنت‌ها که نخل‌ها حاملان آن‌ها هستند از پیش از ساخت نخل‌ها آغاز می‌شود. نخستین گام فراهم آوردن مواد اولیه ساخت نخل‌هاست. دو سنت ارزنده در این گام وقف و نذر است، به این گونه که یکی از مؤمنان درختی را برای ساخت نخل وقف یا نذر می‌کند. او درختی را که پیش‌تر کاشته یا قصد کاشتن آن را دارد وقف ساخت یا تعمیر نخل می‌کند یا نذر می‌کند که اگر به نیت قلبیش دست یافت، آن را صرف ساخت و تعمیر نخل کند (کدخدازاده و مجاور مصاحبه، ۱۳۹۶). همانند آن وقف و نذر دارایی و گاه زمین برای ساخت، تعمیر و در مواردی فراهم آوردن فضایی برای نگهداری از نخل است. همچنین است وقف و نذر یک مهارت و توانایی، بدین گونه که یک استادکار سازنده نخل نذر می‌کند که بدون دستمزد، نخل یک محله را بسازد (مجاور، مصاحبه). این امر در میان استادکاران شهر یزد رواج دارد و به‌عنوان نمونه‌ای از بسیار، می‌توان به نخل خانه امام حسینی‌ها در محله‌ی بازار نو، که به دست استاد عباس مجاور ساخته و نذر تکیه این مکان شده است،^(۷) اشاره نمود.

نخل‌ها انتقال‌دهنده برخی اعمال یا کنش‌ها و آداب سنتی نیز هستند. این اعمال، که در تعامل مؤمنان با نخل شکل گرفته‌اند، ثابت و همه‌گیر نیستند. در مرحله آغاز ساخت، یکی از رفتارهای سنتی، اعتقاد به پاکی و وضو داشتن برای ساخت نخل است. این امر که در میان استادکاران پیش از نخل‌سازان جوان رایج است. هنرمند سازنده نخل خود را موظف می‌داند که قبل از آغاز کار و دست بردن به چوب نخل، وضو بگیرد و با بدن و لباس پاک به کار بپردازد (مجاور و شاهی، مصاحبه، ۱۳۹۶). همچنین در میان مردمان یزد باور بر این است که یکی از صفحات سرونمای نخل به نام امام حسین (ع) و یکی به نام حضرت عباس (ع) است. نظر به مرتبه، اول صفحه امام حسین (ع) باید ساخته شود و بر چارچوب نخل سوار گردد و پس از آن صفحه حضرت عباس (ع). همچنین سلام دادن از جمله آداب سنتی است که بسیاری از آیین‌ورزان و مؤمنان به آن پایبند هستند، بدین گونه که هرگاه به نخل برسند، دست راست را

بر سینه گذاشته و ادای احترام می‌کنند، سلام می‌دهند و دست بر آن می‌سایند (مشاهدات میدانی نگارنده؛ و رمضان‌خانی، ۱۳۹۶: ۳۵۵).

۲-۵. کارکرد یادمانی

آلویس ریگل می‌گوید: یادمان آن چیزی است که تاریخ برای ستایش برگزیده و اعلام کرده که یک یادمان است (Nelson, 2003: 2). نلسون یادمان را آن چیزی می‌داند که به آن می‌اندیشیم و خاطرات ما را برمی‌انگیزد، مانند شیئی که روح دارد. یادمان‌های حیاتی یک جامعه با خاطره‌ها و اشتیاق عمومی یکی می‌شوند و تبدیل به ساز و کاری برای شالوده‌ریزی ارزش‌ها و آرزوها می‌شوند (Ibid: 7). یادمان می‌تواند یک بنای یگانه یا پیوسته، بخشی از یک بنا، تندیس، یک شیء، کتیبه و سنگ‌نوشته، یک مکان یا چشم‌انداز، و جز آن باشد (Petzet, 2006: 64). نخل‌ها یاد انسان‌هایی را با خود دارند که تاریخ آنان را ستایش و تحسین کرده است. دیدن نخل و اندیشیدن به آن یاد آنان و آنچه را بر ایشان گذشته است زنده می‌کند. برای مسلمانان شیعه، نخل در جایگاه یک یادمان، چنانکه چندین بار گفتیم، یادآور واقعه عاشورا است.

۲-۶. کارکرد منظری

چشم‌انداز یا منظر در ساده‌ترین شکل با تصویری از طبیعت که از دور دست در برابر چشم قرار می‌گیرد پیوسته است (بمنیان و احمدی، ۱۳۸۹، ۱۲). اما در بیانی فراگیرتر، این مفهوم شبکه‌های پیچیده و فرآورده دانش، هنر، تجربه، دانش‌های محیطی، اجتماعی، انسانی و گسترده‌های فنی و مهندسی است (منصوری، ۱۳۷۹: ۶۹). فردیناندز از مناظر پاک از کنش‌های انسانی، زیر نام منظر طبیعی یاد کرده، و منظر فرهنگی را دگرگون-شده یک منظر طبیعی به دست یک گروه فرهنگی می‌داند (Sauer, 1925). دخالت انسان در یک چشم‌انداز طبیعی تنها مادی و دیدنی نیست و سوبه‌های ذهنی را نیز در بر می‌گیرد. با این نگاه و با نگرشی به زندگی انسان در درازنای هزاران سال بر روی زمین و دگرگونی بسیاری از چشم‌اندازها یا در آمیختن با معانی ویژه، بازشناخت چشم‌انداز طبیعی از چشم‌انداز فرهنگی به‌آسانی شدنی نیست. چشم‌انداز فرهنگی پنداره‌ای است در بردارنده ارزش‌های فرهنگی و طبیعی که نشانگر تعامل میان انسان و طبیعت در تاریخ است. چشم‌اندازهای فرهنگی دربرگیرنده، نگهدارنده و نشان‌دهنده هویت و تاریخ یک منطقه و مردمان آنند. چشم‌انداز فرهنگی در گذار حضور مردم و کنش شخص یا گروه، یا یک رویداد تاریخی مهم شکل می‌گیرد (مخلص و همکاران، ۱۳۹۲). بر پایه گرایش‌های فرهنگی و رویدادهای تاریخی یک جامعه، چشم‌انداز ویژگی‌های مادی، زیستی و فرهنگی زندگی روزمره آن جامعه را بازتاب می‌دهد. چشم‌انداز فرهنگی در پیوند با طبیعت و گذر تاریخ شکل می‌گیرد و حیات می‌یابد و می‌تواند دربرگیرنده میدان‌های جنگ، کاخ‌ها، دژها و پدید آمدن منطقه‌های زیستی بر پایه اسطوره یا افسانه‌های پهلوانی باشد.

با گذشت سال‌های دیرباز از ساخت نخل‌ها و نهاده شدن این اشیاء مقدس در حسینیه‌ها، تکیه‌ها یا میدان‌ها، این اشیاء به چشم‌انداز شهری یزد پیوسته‌اند و بخشی از چشم‌انداز این مکان‌ها شده‌اند. حضور نخل در میدان‌ها و فضاهای همگانی یزد تبدیل به یکی از ویژگی‌های منظری و مشترک این مکان‌ها در گذر زمان شده است. این مکان‌ها و فضاهای گروهی نقش بزرگی در شکل‌گیری و توانبخشی کنش‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه دارند، و حضور و آمد و شد مردم در این مکان‌ها پیاپی است. پس مردم نخل‌ها و هرآنچه را که در چشم‌انداز این مکان‌هاست به یاد می‌سپارند. نخل‌ها، چه در زمان برگزاری آیین نخل‌گردانی و چه جز آن، در کنار بنا و پیرامون آن چشم‌اندازی را پدید آورده‌اند که می‌توان از آن با عنوان چشم‌انداز فرهنگی-آیینی یاد کرد (نگاره‌های ۵ تا ۱۰).



نگاره ۵: میدان امیرچخماق یزد و نخل آن در سوی راست، سال ۱۳۱۶ ه.ش. (منبع: Von Graefe, 1930).
 نگاره ۶: میدان امیرچخماق یزد و نخل در سوی راست، سال ۱۳۳۶ ه.ش. (منبع: وبگاه رسمی دانشگاه نگارندگان).
 نگاره ۷: میدان امیرچخماق یزد و نخل آن در سوی راست، سال ۱۳۹۶ ه.ش. (منبع: نگارندگان).



نگاره ۸: چشم‌اندازی از میدان وقت و ساعت در یزد و نخل آن که به بخشی از این چشم‌انداز تبدیل شده است (عکس از: Eric Lafforgue).
 نگاره ۹: یک اسلاید نوری از میدان شاه و نخل آن (در سوی چپ) در یزد سال ۱۲۸۰ ه.ش. عکس از سر پرسی سایکس، محفوظ در موزه بریتانیا (منبع: The British Museum, 2017).
 نگاره ۱۰: میدان شاه (بعثت امروزی) در یزد و نخل آن، سال ۱۳۹۶ ه.ش. (منبع: نگارندگان).

کارکرد زیبایی‌شناختی نخل‌ها نیز قابل توجه است. تناسب در طراحی نخل به شکل یک قوس جناغی یا یک سرو به همراه نمای مشبک و کنگره‌های دور تا دور این نمای سروی/جناغی و گاه کاربرد بست‌های فلزی و گل‌میخ‌های نگارین در نما، همه نکته‌هایی هستند که نشان از دقت نظر و کوشش در پاسداشت ظرایف زیبایی‌شناختی در ساخت نخل‌ها دارند (نگاره ۱۱). با این همه، نخل در هنگام نخل‌بندی یا نخل‌آرایی با پارچه، آینه، سلاح (چاقو و شمشیر) و دیگر اشیاء^(۸) (بسته به منطقه، شهر یا روستا) پوشش داده می‌شود و آنچه اهمیت بیشتری می‌یابد شکل کلی نخل است. از دیگر روی، ویژگی‌های

زیبایی‌شناختی ساختار چوبی نخل در یک چشم‌انداز شهری و مذهبی، و یک چشم‌انداز فرهنگی-آیینی معنای ژرف‌تری می‌باید. به دیگر سخن، کارکرد زیبایی‌شناختی نخل در کارکرد چشم‌انداختی یا منظری آن ادغام شده است. ویژگی زیبایی‌شناختی نخل‌ها با حضورشان در فضای شهر یا روستا معنا می‌یابد. یک نخل، چه در زمان برگزاری آیین و چه در زمانی جز آن، در یک تکیه، میدان یا امامزاده در شهر یا روستا و در کنار دیگر عناصر تشکیل‌دهنده آن فضای شهری یا روستایی، کارکرد زیبایی‌شناختیش را متجلی می‌سازد.

نگاره ۱۱: کنگره‌های دورادور نمای سروی/جناغی و پیوند دهنده‌های فلزی به شکل چلیپا در نخل محله‌ی فهادان، یزد (منبع: نگارندگان).



۳. نتیجه

اشیاء نقش مهم و پررنگی در شکل‌گیری و پایایی سنت‌ها و فرهنگ یک جامعه دارند و همان‌گونه که هابرماس می‌گوید در خدمت سنت و دانش فرهنگی هستند. نخل‌ها نیز در جایگاه اشیاء آیینی (که در دسته‌بندی اشیاء می‌توان آن‌ها را در گروه مفهومی‌ترین و معنادارترین اشیاء نهاد)، تنها یک سازه چوبی ضروری برای برگزاری آیین نخل‌گردانی نیستند و نمونه‌ی ارزنده‌ای هستند از اشیائی که توانایی حمل و انتقال مؤلفه‌های فرهنگی، مذهبی، سنتی و دانش را دارا هستند. نخل‌ها سیر حیات خود را، سال‌های دیرپایی از گذشته تا به امروز حفظ کرده‌اند. گیلاد روند طبیعی حیات یک اثر را تا زمانی که در نتیجه دگرگونی ارزش‌های اجتماعی و اقتصادی دچار گسست نشوند تداوم سنتی می‌نامد (Guillard, 1998: 36). هرچند با پویای انسان به سوی کمیت‌گرایی و مادیات و دور شدن از کیفیت‌گرایی و معنویات، آیین‌های بسیاری در تمام فرهنگ‌های جهان فراموش می‌شوند یا رو به کم‌سو شدن هستند، آیین نخل‌گردانی در ایران، به‌ویژه در استان یزد، همچنان زنده و پویاست و نخل‌ها نیز در جایگاه اشیاء آیینی، این پایایی حیات را در سایه پایایی حیات آیین حفظ کرده‌اند. هرچند نمی‌توان این امر را رد نمود که آیین نخل‌گردانی نیز از مادی‌گرایی انسان معاصر متحمل آسیب‌هایی شده است، اما این آسیب‌ها به اندازه و به گونه‌ای نبوده که این آیین وزین را از پای درآورد یا بیمار کند.

در بیانیه کبک^(۹)، مفهومی زیر نام «روح مکان» پیش نهاده شده است. این مفهوم به مجموعه‌ای از عناصر ملموس و ناملموس تعریف شده است که به یک مکان، معنا، ارزش، احساس، و رازآمیزی می‌دهند (QUÉBEC DECLARATION, 2018). روح مکان یک چگونگی ناملموس است که برآمده از گرد آمدن چگونگی‌های ملموس و ناملموس یک مکان است. این ویژگی پایدار سرشت یک مکان را می‌-

سازد، سرشت و شخصیتی که در گذر زمان شکل گرفته است. این روح تنها در مکان پدید نمی‌آید، بلکه یک شیء نیز با مجموعه‌ای از ویژگی‌های مادی و معنوی‌اش، در گذر زمان و در تعامل با محیط، فضا و انسان، و آنچه در درازنای زمان بر او می‌گذرد، جایگاه این روح می‌شود. نخل‌ها را باید دارنده این روح دانست. نخل‌ها به‌واسطه اندیشه و فلسفه نهفته در پس شکل‌گیریشان، دارای هویت و ماهیتی ویژه شده‌اند و پایایی در حیاتشان، چنان جایگاهی در نزد آیین‌ورزان، به‌ویژه شیعیان شهرها و روستاهای کویر و حاشیه کویر مرکزی ایران، به آن‌ها بخشیده است که، چه در زمان برگزاری آیین و چه جز از آن، در جایگاه یک شیء مقدس دارای ارزش‌های گوناگون شده و از حدود یک شیء عادی فراتر رفته‌اند. این ارجمندی کارکردهای گوناگونی در هستی نخل پدید آورده است. حیات یک نخل از آن زمان که اندیشه ساخت آن برای حضور در آیین شکل می‌گیرد، آغاز می‌گردد. هر شیء آیینی با همان دلیلی که آیین برای آن برگزار می‌گردد، شکل می‌گیرد و این یکی از مفاهیم جاری در شیء آیینی است. روح جاری در نخل در جایگاه شیء آیینی، پیش از ساخته شدن کالبد آن زاده می‌شود. باور به ارجمندی آزادگی و مرگ در راه حقیقت (شهادت)، حضور نخل در یک کنش ژرف انسانی و اعتقادی، همراهی با فضای شهری، ورود به ساحت باور و خاطره در اندیشه آیین‌ورز و تعامل با او در همه این مراحل، در کنار فرآیند طراحی، آماده‌سازی ماده‌ها و کارمایه‌های ساخت، و فرآیند ساخت و آداب و سنت‌ها در مراحل پیش از ساخت، هنگام ساخت و نگهداری و بزرگداشت نخل روح نخل را شکل می‌دهد. این روح نیرویی است که نقش نخل را در جامعه آیین‌ورز از یک شیء محض در آیین نخل‌گردانی فراتر برده و باعث شده که این شیء دارای کارکردهای دیگری شود. پس از مطالعه در کالبد نخل در جایگاه یک شیء آیینی، اندیشه نهفته در ساخت آن، و تعاملات آن با فضا- مکان پیرامون و آیین‌ورزان، کارکردهای این شیء زیر هفت عنوان در جدول ۱ آمده است (جدول ۱).

جدول ۱: کارکردها، ماهیت و مشخصه‌های نخل در جایگاه یک شیء آیینی.

کارکرد	ماهیت کارکرد		مشخصه کارکرد
	مادی	ملموس	
۱	آیینی	مادی	یک شیء/سازه چوبی، بایسته برای برگزاری آیین نخل‌گردانی.
۲	اعتقادی	معنوی	نلموس
			شییی مقدس نزد شیعیان، به‌ویژه در گستره جغرافیایی- فرهنگی کویر و حاشیه کویر ایران
			حامل‌زنده‌نگه‌دارنده بخشی از باورهای شیعی
			حامل‌زنده‌نگه‌دارنده اعتقاد به حقانیت آزادگی و ظلم- ناپذیری (قیام امام حسین)

۳	نمادین	معنوی	نالملموس	نمادی از تابوت امام حسین (ع) شهید نماد شهادت، آزادگی، ایستادگی در برابر ظلم نماد وحدت اجتماعی نماد شهر (به‌ویژه شهر یزد)
۴	یادمانی	معنوی	نالملموس	یادمان یک رخداد تاریخی. زمان: سال ۶۱ م.ق. مکان: کربلا.
۵	چشم‌اندازی	مادی/معنوی	ملموس/نالملموس	● حضور مستمر در تکیه‌ها، میدان‌ها، امامزاده‌ها ● حضور در یک کنش تکرارشونده عمیقاً انسانی، زمانمند و نمادین ← پیوستن به چشم‌انداز/ فضای شهری ← پیوستن به چشم‌انداز/ فضای یک مکان همگانی-مذهبی (گاه تاریخی)
۶	حامل دانش بومی	مادی/معنوی	ملموس/نالملموس	دربردارنده بخشی از دانش بومی ساخت اشیاء چوبی در گستره جغرافیایی-فرهنگی کویر و حاشیه کویر ایران
				فنون و ملامدها
				انتخاب چوب یا چوب‌های مورد استفاده در ساخت روش‌های فراهم‌آوری و آماده‌سازی چوب‌ها طراحی، محاسبات، و تناسبات روش‌ها و فنون ساخت و اتصال روش‌ها و آداب نگهداری و تعمیر نخل برای پایایی و بقای آن
۷	حامل سنت‌ها و آداب سنتی	معنوی	نالملموس	سنت‌ها و آداب سنتی در: ← ساخت و نگهداری نخل ← تعاملات آیین‌ورزان/مؤمنان با نخل

در نگاه نخست، نخل تنها یک کالبد چوبین است که در برگزاری آیین نخل‌گردانی از آن استفاده می‌شود، اما معانی و کارکردهای دیگری نیز در وجود و حضور آن نهفته است. می‌توان هفت کارکرد را برای نخل‌ها در جایگاه اشیاء آیینی برشمرد. نخل در جایگاه یک شیء آیینی، افزون بر کارکرد آیینی، دارای کارکردهای اعتقادی، نمادین، یادمانی و منظری و حامل دانش بومی و انتقال‌دهنده سنت‌ها و آداب سنتی است. نخل‌ها حاملان معانی، ارزش‌ها، اندیشه‌ها و اعتقادات انسانی و شیعی، دربردارنده مفاهیم نمادین و انتقال‌دهنده دانش، هنر، مهارت در صنایع و فنون، و آداب و رسوم در گستره فرهنگ کویری و حاملان میراث فرهنگی نالملموس هستند. نخل‌ها، به‌عنوان بخشی از میراث مذهبی و فرهنگی

و تاریخی ایران که مورد بی‌توجهی و دستخوش آسیب‌های بسیار هستند، روح و کالبدی ارزنده و شایسته حفاظت دارند.

پی‌نوشت‌ها

۱. استاد عباس مجاور، متولد (۱۳۱۶)، ساکن یزد. ایشان سال‌ها در کارگاه میراث فرهنگی یزد مشغول به کار بوده‌اند و هم اکنون کارگاه خود در محله‌ی بازار نو در یزد را اداره می‌کنند.
۲. استاد علی‌اکبر ابوبی مهریزی، متولد (۱۳۲۳)، ساکن یزد. ایشان سال‌ها در کارگاه میراث فرهنگی یزد مشغول به کار بوده‌اند.
۳. آقای حسن خیراندیش، متولد (۱۳۴۵)، ساکن یزد. کارگاه ایشان در بلوار دانشجو در یزد واقع شده است.
۴. آقای مسعود شاهدهی، متولد (۱۳۵۱)، ساکن یزد. ایشان مدت چهارده سال است که به کار ساخت نخل مشغولند و کارگاه ایشان در خیابان مهدی در یزد واقع شده است.
۵. آقای محمد مهدی طهرانی، متولد (۱۳۶۳). ایشان چندین سال است که به عنوان هنرآموز از محضر استاد عباس مجاور کسب فیض نموده‌اند.
۶. تعمیر و برافراشته نگاه داشتن نخل با رسیدگی‌های دوره‌ای و توانبخشی کالبد آن به روش‌های سنتی و با آداب بومی، به دست آیین‌ورزان، پیگیری و انجام می‌شود. از سوی دیگر ساخت یک نخل، فرایند پرزحمت و هزینه‌بری است. به همین سبب، یک نخل به سادگی کنار گذاشته نمی‌شو.
۷. مادرم به من گفت خواب دیدم برای محل یک نخل ساختی. من هم نذر کردم و این کار را انجام دادم و هزینه‌هایش را هم تقبل کردم (مجاور، مصاحبه، ۱۳۹۶).
۸. گونه و شیوه آراسته نخل (نخل‌آرایی، نخل‌بندی) در شهرها، روستاها و مناطق گوناگون، با وجود همانندی در شکل و ساختار کلی، تفاوت‌هایی در جزئیات و گزینش اشیاء دارند که فرهنگ و ذوق اجتماعی هر منطقه بر آن کارساز است؛ رک. کاظمی، ۱۳۹۱ و خاکی و قائدی، ۱۳۹۴.

9. Québec Declaration on the Preservation of the Spirit of Place

منابع

- اسلامی ندوشن، محمد علی، ۱۳۹۲، *روزها، جلداول*، تهران، یزدان.
- افشار، ایرج، ۱۳۷۴، *یادگارهای یزد*، جلداول، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- اولیاء، محمدرضا، ۱۳۷۶، «واژه‌نامه معماری اسلامی»، *مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران*، جلد پنجم، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، صص. ۲۸۶-۳۲۱.
- آل احمد، جلال، ۱۳۴۳، *ارزیابی شتابزده*، تهران.
- آیتی تفتی، عبدالحسین، ۱۳۱۷، *تاریخ یزد*، یزد، چاپخانه گلبهار.
- بلوکباشی، علی، ۱۳۸۰، *نخل‌گردانی: نمایش تمثیلی از جاودانگی حیات شهیدان*، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بلوکباشی، علی، ۱۳۸۹، «تابوت‌گردانی: نمایش تمثیلی قدسیانه»، *در فرهنگ خود زیستن و به فرهنگ‌های دیگر نگرستن*، تهران، گل‌آذین.
- بلوکباشی، علی، ۱۳۹۲، «هنر عامه: مجلای علایم رمزی»، *مجموعه مقالات انسان‌شناسی هنر*، به‌کوشش بهار مختاریان و محمد رضا رهبری، اصفهان، حوزه‌ی هنری.

- بمانیان، محمدرضا و فریال احمدی، ۱۳۸۹، *مبانی طراحی منظر طبیعی در مناطق حفاظت‌شده*، تهران، فرهنگ پارس.
- پیرنیا، محمد کریم و غلامحسین معماریان، ۱۳۸۰، *سبک‌شناسی معماری ایران*، تهران، نشر پژوهنده و نشر معمار.
- پرونده ثبت ملی آیین نخل‌گردانی، ۱۳۸۹، *معاونت حفظ، احیاء و ثبت آثار (عنوان: آیین نخل‌برداری در استان یزد)*، دفتر ثبت آثار.
- چمبرز، رابرت، ۱۳۷۶، *توسعه روستایی: اولویت‌بخشی به فقرا*، مصطفی ازکیا، تهران، دانشگاه تهران.
- حصولی، علی، ۱۳۷۸، *سیاوشان*، تهران، چشمه.
- حصولی، علی، ۱۳۸۴، *آیین‌شناخت*، تهران، چشمه.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، *لغت‌نامه دهخدا*، چاپ اول (از دوره‌ی جدید)، تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
- رمضان‌خانی، صدیقه، ۱۳۹۶، *فرهنگ عامه مردم شهر یزد*، یزد، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خاکی، محمد رضا و سیاوش قائدی، ۱۳۹۳، «ریخت‌شناسی آیین نخل‌گردانی: نمایش نمادین جاودانگی اساطیر»، *کتاب‌صحنه*، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ و بهار ۱۳۹۴، ش ۹۷، صص ۵-۲۴.
- شریعتی، علی، ؟، *تاریخ و شناخت ادیان*، تهران.
- فرامکین، گرگوار، ۱۳۷۲، *باستان‌شناسی در آسیای مرکزی*، صادق ملک شه‌میرزادی، تهران، وزارت امور خارجه.
- کاظمی، سمیه، ۱۳۹۱، *بررسی انسان‌شناختی هنرهای تزئینی در نخل‌گردانی محله هردۀ ایبانه*، *انسان‌شناسی*، س ۱۰، ش ۱۴۱.
- کالرک، کنت، ۱۳۷۰، *سیر منظره‌پردازی در اروپا*، ترجمه بهنام خاوران، تهران، ترمه.
- مخلص، فرنوش و دیگران، ۱۳۹۲، «مزار پیرمراد، منظر فرهنگی آیینی بانه»، *باغ نظر*، ۲۷، صص ۲۷-۳۸.
- مزروعی، علی، ۱۳۶۳، «آرشیوهای آفریقا و سنت‌های غیر مکتوب»، *پیام یونسکو*، ش ۱۷۸، صص ۱۲-۱۴.
- موریس، برایان، ۱۳۸۳، *مطالعات مردم‌شناختی ادیان*، ترجمه سید حسین شرف‌الدین و محمد فولادی، قم، زلال کوثر.
- نصر، سید حسین، ۱۳۸۰، *معرفت و امر قدسی*، ترجمه فرزاد حاجی میرزایی، تهران، فرزاد روز.
- Basic Texts of the 2003 Convention for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage, 2014 Edition, United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization. Intangible Cultural Heritage. <http://unesdoc.unesco.org/images/0023/002305/230504e>.
- Brabyan, L., 1998, GIS analysis of macro landform, Presented at The 10th Colloquium of The Spatial Information Research Center, University of Otago, New Zealand, 16-19 November 1998.
- Chelkowski, P., 1979, *Ta'ziyeh: Ritual and Drama in Iran*, New York, New York University Press.

- Chelkowski, P., 2006, *Art for Twenty-four Hours, Islamic Art in the 19th Century: Tradition, Innovation, And Eclecticism*, ed. by Doris Behrens-Abouseif, Stephen Vernoit, Netherland, Brill.
- Chelkowski, P., 2008, NAKL, *Encyclopædia Iranica*, Online edition, available at: <http://www.iranicaonline.org/articles/nakl-object-in-the-mourning-rituals> (Access date: 19/1/2017).
- Chelkowski, P., 2010, *Eternal Performance: Taziye and Other Shiite Rituals*, Chicago, Seagull Books.
- Ducrot, O. and J. M. Schaeffer, 1995, *Nouveau dictionnaire encyclopédique des sciences du langage*, Paris, Éd. du Seuil.
- Fichtner, J. A., 2003, Tradition, in *New Catholic Encyclopedia*, 2nd ed., Vol.14. Washington D.C, Gale.
- Geertz, Clifford, 1983, *Local knowledge*, New York, Basic Books.
- Green, Thomas A., 1997, *Folklore: an encyclopedia of beliefs, customs, tales, music, and art*, ABC-Clio Inc.
- Guillaud, H., 1998, *Technical Annexes and Recommendations, Conservation of Chogha Zanbil*, Paris and Tehran, UNESCO/Japan Trust Fund Project.
- Habermas, T., 2001, Objects: Material, in N. J. Smelser and P. B. Baltes (Eds.), *International Encyclopedia of the Social and Behavioral Sciences*, Oxford, Elsevier, pp. 10797-10801.
- Kelkar, M., 2007, Local Knowledge and Natural Resource Management: A Gender Perspective, *Indian Journal of Gender Studies*, 14: 295.
- Nelson R. and M. Olion, 2003, *Memory and monument, made and unmade*, Chicago and London, University of Chicago.
- Oliver, P., 1986, Vernacular Know-How, *Mateial culture*, Vol. 118 (3): 113-126.
- Pezet, M., 2009, Genius loci: The spirit of monuments and sites, In *Conserving the authentic, Essays in honour of Jukka Jokilehto*, Stanley-Price, N. & J. King, Rome: ICCROM, 63–68.
- QUÉBEC DECLARATION ON THE PRESERVATION OF THE SPIRIT OF PLACE Adopted at Québec, Canada. October 4th 2008. <http://whc.unesco.org/uploads/activities/documents/activity-646-2>.
- Rappaport, R. A., 1999, *Ritual and Religion in the Making of Humanity*, United Kingdom, Cambridge University Press.
- Richards, F. Ch., 1931, *A Persian journey: being an etcher's impressions of the middle East, with forty-eight drawings*, London: London Jonathan Cape.
- Sauer, C., 1925, *The Morphology of Landscape*, University of California Publications in Geography.
- Shils, E., 1971, Tradition, *Comparative Studies in Society and History*, Vol.13, No. 2, Special Issue in Tradition and Modernity.
- Shils, E., 2006, *Tradition*, Chicago, University of Chicago Press.
- Turner, V. W., 1973, Symbols in African Ritual, *Science*, Vol. 179, No, 4078, 1100-1105.
- Von Graefe, A., 1930, *Iran. das neue Persien*, Atlantis Verlag, Berlin / Zurich.

- Walker, S., 2005, Object Lessons: Enduring Artifacts and Sustainable Solutions, Design Issues, No. 3, Autumn 2005, pp. 20-31.
- Warren, D. and K. Cashman, 1988, Indigenous knowledge for sustainable agricultural rural development, Gatekeeper Series, No. SA10, London, International institute for environment.

Archive of SID

Archive of SID